

مروری به اطلاقات صراط

همانطور که به عرض رسید فرمودند: صراط الله، همان انسان کامل است و صراط را به امام و خط و پل هم تشبیه کرده اند و فرموده اند: این پل از روی جهنم عبور می کند که بعضی مثل دویدن اسب از آن می گذرند، عده ای هم به صورت چهار دست و پا از آن عبور می کنند، بعضی هم به نحو پیاده می روند و عده ای بصورت آویزان شده که مقداری هم آتش آن ها را می گیرد از روی آن عبور می نمایند، و بعضی ها در آتش جهنم فرو می روند و خالدین فیها می شوند.

صراط را فطرت اولیه است هم نامیده اند.

تمام این اطلاقات برای قرب ذهن به این نکته است که راه سعادت خویش را گم نکنیم و به ضلالت و در دوزخ فرو نرویم. بحث ما در این چمن، پل کشیده شده روی جهنم است.

سوال: چرا به صراط، لفظ پل را اطلاق داده اند؟

این پل از کجا تا به کجا کشیده شده است؟ قبل جهنم و بعد جهنم کجاست که این پل از میانشان عبور میکند؟ هر پلی ستونی دارد؛ ستونهای این پل در کجا بنا شده است؟

آنچه که فرمودند این است که صراط، پل کشیده شده بر روی جهنم است، یعنی صراط، پل کشیده شده از ابتدای تکون نفس تا فعلیت تامه نفس است. این (تا)، همان صراط است و واژه جهنم از جهیدن است نه از آتش به معنای متعارف عام. عالم را زین سان جهان نامیدند که در جهش و جهیدن است. حال چرا به آتش تشبیه فرمودند؟ توضیح: این زمان بگذار، تا وقت دگر.

اگر بخواهیم اساس وجود و سرّ خلقت انسان را بیان داریم، می بینیم که تمام کلمات وجودی عالم، از آیات و روایات و مباحث کلامی، ذوقی، عرفانی، اخلاقی و... به این نکته برمی گردد که حقیقت وجودی انسان، «اتصال بین ازل و ابد است»؛ یعنی حقیقت وجودی انسان طوری خلق شده است که باید ازل علی حادث را به ابد لایتناهی وصل کند و وحدت دادن به کثرات است، و به تعبیر دیگر تمام موجودات عالم و کمال وجودی شان از صراط انسان به ایله راجعون می رسند. مراد ما از صراط، همان انسان کامل است که صراط الله استدعای تمام موجودات است که جملگی می گویند: ما می خواهیم از حدّ به در برویم. کمال خواهی و کمال جویی و حب به بقاء، زیر سر لاحدی است. در سرشت ذاتی خود فهمیده اند که رسیدن به لا حدّ، جز به صراط میسر نیست. پس این پل، همان حقیقت وجودی انسان است، یعنی فطرت سلیم او، که تمام موجودات باید از این پل به کمال برسند. اساس بقای موجودات بر صراط تنظیم شده که شامل دین

آنهاست. اگر صراط نباشد عالم یک لحظه بقاء ندارد، اصلاً ایجاد نمی شود، یعنی تکون نمی یابد.

اگر فرمودند: «لولا الحجة لساخت الأرض بأهلها»، یعنی اگر انسان کامل که صراط الله است، نباشد، زمین، اهلس را فرو می برد.

این صراط دو پایه دارد؛ یکی در ابتدای تکون موجودات است، پایه دیگرش به فعلیت موجود که به قیامت تشبیه کرده اند وصل است. یک پایه اش در (إِنَّا لَلَّهِ) است که ایجاد است، (وَأَيُّهَا)، همان صراط است و (رَأَجُونَ)، فعلیت است که پایه ی دیگر این پل است. اگر نطفه ی انسانی براساس دین الهی که همان صراط است منعقد بشود، یعنی حرام و حلال، یعنی طهارت، در ابتدا بر روی صراط قرار گرفته و در سیر تکاملی به صراط الهی هدایت یافته است، بالذات. به فرموده امام علی علیه السلام: اگر مردم در صراط فطرتشان می ماندند، هیچ انبیاء و هیچ کتابی برای هدایت نمی خواستند.

گام به گام شرح دروس معرفت نفس در کانال معرفت نفس

منبع: @Meshkatehvelaya

مشکات ولایت عقل و فطرت کانال مشکات ولایت [@meshkatehvelayat](https://t.me/meshkatehvelayat)

لینک کانال <https://telegram.me/meshkatehvelayat>